

۱) معنی هریک از واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

الف) شب عید نوروز بود و موقع ترفیع رتبه.  
ج) نتوان شیه تو گفتن که تو در وهم نیایی

ب) من بیش از همه مُصِر بودم در شنیدن حرف‌های شما.  
ج) مرد نقال از صدایش ضجه می‌بارید.

۲) معنی هریک از ابیات و عبارات زیر را به نثر روان بنویسید.

۱) کرانه‌های فرات، خط از کرانه‌ی رود تiber می‌خواندند.  
۲) بدان گه که شد پیش کاووس باز / فرود آمد از باره، بردش نماز  
۳) خودتان را بزنید به ناخوشی و بگوئید طبیب قدغن کرده؛ از تخت‌خواب پایین نیایید.

۳) در نوشته‌ی زیر، منظور نویسنده را از قسمت‌های مشخص شده بنویسید.

گفت: «به من دخلی ندارد! ماشاءالله هفت قرآن به میان، پسر عموی خودت است.»

۴) مفهوم کنایه‌های مشخص شده را بنویسید.

الف) در بذله و لطیفه نوک جمع را چیده است  
ب) هنوز دستگیرش نشده بود که مقصود من چیست.

۵) در هریک از موارد زیر، یک نادرستی املائی بیاید و درست آن را بنویسید.

الف) شیرمرد عرصه‌ی ناوردهای حول، پور زال زر، جهان پهلو ...  
ب) من هر چه تعارف می‌کنم تو بیش‌تر عبا و امتناع می‌ورزی.  
ج) فاصله‌ی بچه‌های بی‌حفاض، با خاکریز کم‌تر می‌شد.

۶) در نوشته‌ی زیر، منظور نویسنده از مثل «چند مرده حلاجی» چیست؟

«مصطفی جان، می‌خواهم امروز نشان بدهی چند مرده حلاجی و از زیر سنگ هم شده یک غاز برای ما پیدا کنی.»

۷) معنی هریک از ابیات و عبارات زیر را به نثر روان بنویسید.

۱) ما پرندگان را نیز پیشوا و شهریار است. در خرد و بینش، او را همتایی نیست.  
۲) یک روز دنیایی به روم چشم داشت و از آن چشم می‌زد.  
۳) سیاوش چنین گفت کای شهریار / که دوزخ مرا زین سخن گشت خوار  
۴) حالا دیگر مصطفی در خوش‌زبانی، نوک جمع را چیده است.

۸) نام پدیدآورنده‌ی هریک از آثار زیر را بنویسید.

الف) منطق‌الطیر: (ب) داستان کباب‌غاز: (ج) فی حقیقة العشق: (د) قصه شیرین فرهاد:

۹) در جمله‌ی مرکب زیر، جمله‌ی هسته (پایه) و جمله‌ی وابسته (پیرو) را مشخص کنید.

«خودت بهتر می‌دانی که در این شب عیدی مالیه از چه قرار است.»

۱۰

معنی هریک از واژه‌های مشخص شده را بنویسید.  
 الف) عاکفان کعبه‌ی جلالش به تقصیر عبادت معترف  
 ب) محبت چون به غایت رسد، آن را عشق خوانند  
 ج) با صدایی میرتعش، لحنی رجزمانند و دردآلود / خواند  
 د) چنین روز مبارکی صله‌ی ارحام نکنی کی خواهی کرد؟

۱۱

با توجه به نوشته‌ی زیر، به پرسش‌ها پاسخ دهید.  
 «یکی از حطّار که کتّاده‌ی شعر و ادب می‌کشید چنان محظوظ گردیده بود که جلو رفته جبهه‌ی شاعر را بوسید.»  
 الف) واژه‌ی «پیشانی»، معادل معنایی کدام واژه است؟  
 ب) در کدام واژه نادرستی املائی دیده می‌شود؟

۱۲

معنی و مفهوم هریک از موارد زیر را به نثر روان بنویسید.  
 ۱) آن که او را شناسد، دوری او را تحمل نتواند کرد و آن که بدو رو آورد، بدو نتواند رسید.  
 ۲) شش دانگ حواسم پیش مصطفی است که نکند بوی غاز چنان مستش کند که دامنش از دست برود.  
 ۳) پرده‌ی ناموس بندگان به گناه فاحش ندرد و وظیفه‌ی روزی به خطای مُنکر نبرد.

۱۳

در عبارت زیر مفهوم کنایی «سماق مکیدن» چیست؟  
 «گفت: تنها همان رتبه‌های بالا را وعده بگیر و مابقی را نقداً خط بکش و بگذار سماق بمکند.»

۱۴

با توجه به آیه‌ی شریفه و بیت زیر، متن روان‌خوانی را تحلیل کنید.  
 \* وَ مَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى (انفال / ۱۷)  
 \* ز یزدان دان، نه از ارکان، که کوته‌دیدگی باشد / که خطی کز خرد خیزد، تو آن را از بتان بینی (سنایی)

۱۵

شخصیت اصلی داستان (ارمیا) چه کسی است؟ ویژگی‌های رفتاری او را مورد بررسی قرار دهید.

۱۶

از متن درس برای کاربرد انواع حرف ربط یا پیوند (وابسته‌ساز - هم‌پایه‌ساز) نمونه‌های مناسب بیابید.

۱۷

در عبارت زیر، یک حرف پیوند هم‌پایه‌ساز بیابید.  
 «برخی در همان نخستین منزل از پا درآمدند. بسیاری در دومین منزل به زاری زار جان سپردند اما آنان که همت یارشان بود، پیش‌تر می‌رفتند.»

۱۸

مقصود از عبارت: «چون تیری که از شست رفته، بازنمی‌گردد» چیست؟

۱۹

در عبارت‌های زیر، مفهوم کنایه‌های مشخص شده را بنویسید.  
 الف) پیداست که تا چه حد از چنین کاری بیم داشتیم اما دل به دریا زدیم و به اتاق درس وارد شدم.  
 ب) می‌خواهم امروز نشان بدهی که چند مرده حلاجی.

۲۰

معنی واژه‌های مشخص شده را با توجه به شعر و نثر زیر بنویسید.  
 الف) تو نماینده‌ی فضلی تو سزاوار ثنایی  
 ب) همه‌ی حصار یک صدا تصدیق کردند که تخلصی بس به جاست.  
 ج) احداث یک خاکریز دو جداره را تنها راه‌حل می‌دانست.

۲۱

معنی عبارت زیر را به نثر ساده و روان بنویسید.  
 مهمان‌ها در محظور گیر کرده بودند.

۲۲ قسمت مشخص شده در عبارت زیر منجر به خلق کدام آرایه‌ی ادبی داخل کمانک شده است؟  
تنها همان رتبه‌های بالا را وعده بگیر و مابقی را نقداً خط بکش. (کنایه - ایهام)

۲۳ معنی عبارت زیر را به نثر ساده و روان بنویسید.  
با حال استیصال پرسیدم.

۲۴ قسمت مشخص شده در عبارت زیر، منجر به خلق کدام آرایه‌های ادبی شده است؟  
با حال استیصال پرسیدم: «پس چه خاکی بر سر بریزم؟»

۲۵ در عبارت زیر، معنی کنایی «جلوی کسی در آمدن» را بنویسید.  
توشیرینی عروسی هم به دوستان ندادهای، باید در این موقع درست جلویشان درآیی.

۲۶ نویسنده در جمله‌ی «آن را در زوایا و خفایای خاطر و مخیله نشخوار کردم» به چه عملی اشاره کرده است؟

۲۷ معنی و مفهوم عبارت زیر را به نثر روان بنویسید.  
دیدم توطئه‌ی ما دارد می‌ماسد و مهمان‌ها در محظور گیر کرده‌اند.

۲۸ در عبارت «گویی جامه‌ای بود که درزی ازل به قامت زیبای جناب ایشان دوخته است» منظور نویسنده از «درزی ازل» کیست؟

۲۹ در عبارت «یک دست از بهترین لباس‌های نودوز خود را با کلیه‌ی متفرّعات به انضمام مایحتوی از خانه بیرون انداختم» منظور از «مایحتوی» را بنویسید.

۳۰ عبارت‌های زیر را معنا کنید:  
الف - جلو کسی در آمدن ب - سماق مکیدن پ - شکم را صابون زدن ت - چند مرده حلاج بودن

- ۱ الف) ارتقا یافتن، رتبه گرفتن (ص ۱۳۲)      ب) اصرارکننده، پافشاری‌کننده (ص ۸۸)  
 ج) مانند، مثل، همسان (ص ۱۰)      د) ناله و فریاد با صدای بلند، شیون (ص ۱۱۴)
- ۲ ۱) کشورهای عراق و سوریه (دورترین کشورها) از فرمان روم (ایتالیا) اطاعت می‌کردند. (ص ۶۲)  
 ۲) وقتی سیاوش پیش کاووس رفت از اسب پیاده شد و تعظیم کرد. (ص ۱۰۴)  
 ۳) وانمود کنید که بیمار هستید، و بگویید پزشک ممنوع کرده و از رخت‌خواب برنخیزید. (ص ۱۳۴)
- ۳ دخیلی ندارد: ربطی ندارد (ص ۱۳۳)  
 هفت قرآن به میان: چشم نخورد (بلا به دور باشد) (ص ۱۳۳)
- ۴ الف) فرصت صحبت را از همه گرفته است. (بر همه مسلط شده است) (ص ۱۳۷)  
 ب) درنیافته بود، نفهمیده بود (ص ۱۳۷)
- ۵ الف) هول (ص ۱۱۰)  
 ب) ابا (ص ۱۳۶)  
 ج) حفاظ (ص ۹۲)
- ۶ میزان قدرت و توانایی تو چه قدر است. (ص ۱۳۴)
- ۷ ۱) ما پرندگان هم رهبر و پادشاهی داریم که در خرد و بینش، همانندی ندارد. (ص ۱۲۰)  
 ۲) روزگاری همه‌ی مردم دنیا به ایتالیا توجه داشتند و از آن بیم داشتند. (ص ۶۲)  
 ۳) سیاوش گفت ای پادشاه! تحمل دوزخ در برابر این تهمت برای من آسان‌تر است. (ص ۱۰۱)  
 ۴) اکنون مصطفی در خوش‌صبحتی، بر جمع مسلط شده است. (ص ۱۳۷)
- ۸ الف) عطار (ص ۱۲۵)      ب) محمدعلی جمالزاده (ص ۱۴۰)  
 ج) شهاب‌الدین سهروردی (ص ۵۲)      د) احمد عربلو (ص ۴۳)
- ۹ جمله‌ی هسته: خودت بهتر می‌دانی  
 جمله‌ی وابسته: در این شب عیدی مالیه از چه قرار است. (ص ۱۳۲)
- ۱۰ الف) جمع عاکف، کسانی‌که در مدت معین در مسجد بمانند و به عبادت پردازند. (ص ۱۳)  
 ب) نهایت (ص ۵۲)  
 ج) دارای ارتعاش، لرزنده (ص ۱۱۰)  
 د) به دیدار خویشاوندان رفتن و احوال‌پرسی از خویشان (ص ۱۳۳)
- ۱۱ الف) جبهه      ب) حصار (ص ۱۳۷)
- ۱۲ ۱) کسی‌که سیم‌رغ (خداوند) را بشناسد، نمی‌تواند دوری از او را تحمل کند و کسی‌که به او رو بیاورد، نمی‌تواند به او دست یابد. (ص ۱۲۱)  
 ۲) همه‌ی حواسم به مصطفی است که با بوی غاز از خود بی‌خود نشود و اختیارش را از دست ندهد. (ص ۱۳۷)  
 ۳) خداوند آبروی بندگان را به خاطر گناه آشکار نمی‌برد و روزی مقدر کسی را به خاطر خطای زشت قطع نمی‌کند. (ص ۱۲)

۱۳ انتظار کشیدن (ص ۱۴۱)

۱۴ منشأ و عامل اصلی همه پدیده‌ها خداوند است.

۱۵ ارمیا - جوانی آرام و متین و ایثارگر که شیفته‌ی رفتار رزمندگان شده است.

۱۶

۱۷ اما، ۰/۲۵، ص ۱۴۰

۱۸ کاری که از دست و اختیار خارج شد و قابل جبران نیست. (۰/۵) (درس ۱۶ ص ۱۳۹)

۱۹ الف) شجاع شدم یا نترسیدم (۰/۲۵) (ص ۱۵۷)

ب) چه قدر توانایی داری (۰/۲۵) (درس ۱۶ ص ۱۳۳-۱۳۴)

۲۰ الف) ستایش - سپاس (۰/۲۵) (ص ۱۰)

ب) آنان که در جایی یا مجلسی حضور دارند، حاضران (۰/۲۵) (درس ۱۶ ص ۱۳۷)

ج) ساخته شدن (۰/۲۵) (ص ۳۱)

۲۱ مهمان‌ها در رودربایستی افتادند. (۰/۲۵)

۲۲ کنایه (۰/۲۵)

۲۳ با ناچاری (درماندگی) پرسیدم (۰/۲۵)

۲۴ کنایه (۰/۲۵)

۲۵ خوب پذیرایی کردن (۰/۵)

۲۶ فکر کردن (تأمل و اندیشه)

۲۷ دیدم نقشه‌ی ما دارد عملی می‌شود و مهمان‌ها در تنگنا (رودربایستی) افتاده‌اند.

۲۸ خداوند

۲۹ مصطفی (پسرعموی راوی)

۳۰ الف- خوب پذیرایی کردن (یا تلافی کردن)

دادن

ت- توانایی و قدرت داشتن

پ- به خود وعده‌ی واهی

ب- انتظار بیهوده